یادداشت

خواب، پنجره ای به عالم مرگ

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
فعال فرهنگی

برای کسانی که دنبال شناخت عالم و کسب معرفت هستند، علاوه بر راه مطالعه کتاب های مختلفی که علمای اهل معرفت نوشته اند، خداوند در صفحه به صفحه و صحنه به صحنه و قاب به قاب این دنیا با اهل بصر وبصیرت سخن گفته است ونشانه ها وتمثیلاتی در این دنیا برای راه‌یافتن به دنیای نادیدنی ها قرار داده است. مثلا دنیای پس از مرگ همیشه یکی از سؤالات بشر بوده وانگار هیچ کس بعد از مرگ نیامده است از آن دنیا برای ما بگوید، گرچه همیشه قصه های عجیبی هم در این باب وجود داشته است. درباره نسبت دنیای دیگر به این دنیا، پیامبر خدا(ص) می فرماید: «وضعیت مؤمن در دنیا مانند جنینی است که در شکم مادرش قرار دارد. اووقتی متولد شود، ابتدا گریه راآغاز می کند، تاوقتی که چشمش باز شود وروشنایی را ببیند وشیر بخورد که دیگر دوست ندارد به جایگاه گذشته خود بازگردد. در نمونه ای مشابه، مؤمن از مرگ جزع می کند، اما وقتی به دیدار پروردگارش رسید، دیگر دوست ندارد به دنیا بازگردد، چنان که نوزاد دوست ندارد به شکم مادرش برگردد.» (إحیاء علوم الدین، غزالی، ج۱۵، ص۱۸۷) آری، می گوید وسعت عالم آخرت نسبت به این دنیا مانند نسبت این دنیا به عالم زندگی در رحم مادر است و در این تمثیل، نکات دیگری نیز وجود دارد که در این مقال نگنجد. اما یکی دیگر از حقیقت های اسرارآمیز در این دنیا که حرف های زیادی برای حقیقت جویان واهل معرفت دارد، همین خوابیدن است؛ خوابی که در روایات ما به آن مرگ کوچک گفته شده و در آیه شصت سوره انعام درباره آن آمده است: «خدایی که هنگام شب شما را می میراند وروح شما را برمی گیرد!» بله، خوابیدن انگار تمرین مردن است؛ مرگی که به همین نزدیکی وسادگی است. یکی از اسرار خواب، رؤیادیدن است؛ رؤیاهای رنگارنگی که گاه از فردای ما خبر می دهند وگاه از مکان ها وچیزهایی که هیچ وقت در دنیا ندیدیم وبا آن روبه رو نشدیم، ولی با خودتان فکر کرده اید که چطور خواب می بینیم؟ وچطور می شود وقتی بدن ما روی زمین است، در آسمان ها سیر می کنیم؟ دانشمندان الهی با استفاده از رؤیا وخواب دیدن، حقیقت وجود روح را اثبات می کنند که جا دارد اهل تحقیق، ضمن فکرکردن در این زمینه، استدلال علما را در کتب عقاید در این باب ببینند. پس درس هایی از عالم راز آلود مرگ در همین خوابیدن معمولی ما وجود دارد که در دسترس همه انسان هاست، اما فکرکردن وراه یافتن به آن فقط روزی کسانی می شود که وجودی حقیقت جو وتشنه حقیقت داشته باشند. جمله معروفی وجود دارد که می گوید همان طور که زندگی می کنی، می میری وهمان طور که می میری، برانگیخته می شوی! یعنی مسئله عاقبت به خیری که خوبان آن قدر درباره آن حرف می زنند وبرایشان اهمیت دارد، کاملا درهم تنیده با اعمال ما در زندگی است وحال ما در آن دنیا هم در آینه وضعیت ما هنگام مرگ آشکار می شود. در عالم خواب هم نشانه ای از همین قصه وجود دارد که همان طور که می خوابی، برمی خیزی! اگر با آشفتگی وسنگینی بخوابی، قطعا خواب راحتی نخواهی داشت وبا حالت سبکی وفرح درونی از خواب برنمی خیزی. برخلاف آن، وقتی که شب با آرامش ومعنویت خوابیده باشی، سحر انگار با یک نسیم رحمت چشم باز می کنی واحساست به تو می گوید که امروز روز خوبی است وهمین حال خوب، نوید یک روز روشن را به تو می دهد! از خداوند بزرگ می خواهیم که یک زندگی پرمعنویت ودور از گناه وحسن عاقبت ومرگ راحت را روزی همه ما قرار دهد.

بروبم تماشا

به میقات می رویم؛ جُحفَه

میقات حج، به محل احرام بستن حج گزاران یا عمره گزاران گفته می شود. برای انجام عمره تمتع باید در یکی از این پنج میقات احرام بست و به سمت مکه حرکت کرد: مسجد شجره، جُحفَه، وادی عَقیق، قَرْنُ المنازل ویلَمْلَم. این بار درباره جحفه می خوانیم. این مکان میقات اهل شام و کسانی است که از این منطقه به سمت مکه می روند. امروزه کسانی که با هواپیما یا کشتی به جده می روند هم به جُحفه رفته و از آنجا مُحرِم می شوند. در قرن های اول هجری این مکان شهری پررونق بود، ولی اکنون منطقه آبادی نیست. غدیر خم در نزدیکی این مکان قرار دارد. این شهر درگذشته مَهْیعه به معنای مکان پهناور نام داشت. شاید به دلیل قرارگرفتن این شهر در سرزمینی پهناور به نام غدیر خم ودریای سرخ به این اسم مشهور شده بوده است. در روایات آمده است که هم پیامبر(ص) وهم امام صادق(ع) هر دو واژه «مهیعه» و«جحفه» را برای این منطقه استفاده کرده اند. رسول خدا(ص) جحفه را یکی از میقات های حج معرفی کرده اند. در بعضی روایات این مکان میقات اهل مغرب ودر روایتی دیگر میقات شامیان معرفی شده است. براین اساس، فقیهان بزرگ شیعه، جحفه را میقات شامیان، مصری ها ومغربی ها می دانستند. امروزه این منطقه میقات همه کسانی است که از جده راهی مکه می شوند. بعضی ها هم جحفه را میقات اضطراری اهل مدینه و کسانی که از این مسیر به حج می روند، می دانند؛ یعنی کسانی که در ذوالحلیفه محرم نشده اند، لازم است در جحفه محرم شوند. نقل است که امام جعفر صادق(ع) بدون احرام بستن از مدینه حرکت کردند ودر جحفه محرم شدند واین کارشان را با استناد به روایت رسول خدا(ص) دانستند که به مریضان وضعیفان اجازه دادند از جحفه محرم شوند.

بردار و بخوان

گوهر شب چراغ

کتاب «گوهر شب چراغ» مجموعه داستان های مستندی درباره فقیه و روحانی برجسته، مردی است که برخی می گویند مردم روزگار کمتر نظیرش را به خود دیده اند؛ درباره «آیت ا... حاج شیخ غلام رضا فقیه خراسانی». او روحانی ومجتهدی با کرامات زیاد بوده است که با آنکه اهل سازش با حکومت طاغوت نبود، هرگز گوشه عزلت اختیار نکرد ودست از تبلیغ دین وتلاش در راه خدا برنداشت.
مظفر سالاری، نویسنده این اثر، داستان های این مجموعه را به جز یکی دو تا از آن ها، از کتاب «تندیس پارسایی» نوشته محمد کاظمینی برگرفته است. «تکه‌ای از بهشت»، «در راه آباده»، «سهم امام»، «باقلوا ومسکه»، «ومن هنوز زنده‌ام» و«شاگرد محبوب» عنوان برخی داستان های کتاب «گوهر شب چراغ» است. کتابستان معرفت این اثر را در ۱۴۴ صفحه در سال ۱۴۰۰ منتشر کرده است.

آیه

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار واعتقاد ثابتشان استوار می‌دارد؛ هم در این جهان وهم در سرای دیگر!

سوره ابراهیم، آیه۲۷
ترجمه آیت ا... مکارم شیرازی

حدیث

هرکس مال مؤمنی را به ناحق بخورد، پیرو من نیست.

امام جعفر صادق(ع)
وسائل، ج۱۲، ص۵۳

در گفت وگوی شهرآرا با حجت الاسلام والمسلمین تقدیری بیان شد

سرنوشت عبرت آموز قوم ثمود

ساحل کریمی

گفت وگو

یکی از جلوه های هدایت قرآن، بیان داستان ها وتاریخ وقصه های گذشتگان است. اما هدف قرآن از بیان داستان انبیا و اقوام پیشین، فقط داستان گویی وشرح حال گذشتگان نیست، بلکه هدایت وعبرت مخاطبان وتوجه دادن ایشان به حقانیت وحی واثبات صدق گفتار پیامبران وبرتری اراده الهی است. در قرآن کریم به سرگذشت اقوامی از دوردست های تاریخ اشاره شده است تا عبرت آموز وپنددهنده باشد ومبادا انسان های اعصار بعدی دچار آن خطا شوند وآنچه را که نباید، تجربه وتکرار کنند. ربیع الثانی ماهی است که بر قوم ثمود عذاب الهی نازل شده است. به همین مناسبت شهرآرا در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمد تقدیری به شرح آنچه بر سر قوم حضرت صالح(ع) آمده تا درس عبرتی برای همگان باشد، اشاره کرده است.

قرآن کریم کتاب قصه سرایی نیست تا با ذکر جزئیات، باعث دورشدن از هدف شود، بلکه فقط به آن قسمتی ازواقعه اشاره می کند که پیامی دربردارد و به مخاطب هشدار می دهد که باید در مسیر درست زندگی گام بردارد

چرا در قرآن سرنوشت برخی اقوام بازگو شده است؟

سرگذشت اقوام در قرآن، با هدف عبرت آموزی وپندگیری بیان شده است تا انسان ها با آگاهی از اوضاع واحوال ایشان، خود را از اشتباهات ومهلکات دور بدارند. بسیاری از موارد در داستان های قرآنی برای ما نیز در حال تکرار است. نکته مهم این است که قرآن کریم کتاب قصه سرایی نیست تا با ذکر جزئیات، باعث دورشدن از هدف شود، بلکه فقط به آن قسمتی از واقعه اشاره می کند که پیامی دربردارد وبه مخاطب هشدار می دهد که درصورت عبرت نگرفتن و توجه نکردن به سرگذشت پیشینیان، به سرنوشت مشابه آن ها دچار خواهد شد.

قوم صالح نبی(ع) و سرگذشت آنان چرا در قرآن ذکر شده است؟

عبرت آموزی های متعددی درباره داستان صالح(ع) در قرآن آمده است. در تاریخ وداستان ایشان واژگان کلیدی قوم عاد، قوم ثمود، حضرت صالح، شتر یاناقه صالح نقش دارند. قرآن کریم از قوم صالح(ع) باعنوان «ثمود» و«اصحاب الحجر» یاد کرده است. ثمود یکی از قبایل عرب ماقبل تاریخ بود که در محلی به نام «وادی القری» بین حجاز وشام سکونت داشتند. آن ها از اقوام وحشی عرب ومطیع دولت آشور بودند ونام قبیله آنان در کتیبه سارگن دوم، پادشاه آشور که ۷۱۵ سال پیش از میلاد می زیسته، مذکور است.

حضرت صالح(ع) از فرزندان سام بن نوح وپیامبر قوم ثمود بود. او سومین پیامبر عربی است که در سوره های مختلف قرآن از او یاد شده، اما در تورات نامی از او به میان نیامده است. گفته اند حضرت صالح(ع) ۲۸۰ سال عمر کرد ومدفنش در قبرستان وادی السلام در نجف است. بنابر نقل منابع تاریخی، حدود شانزده سالگی به پیامبری مبعوث شد و تا سن صدوبیست سالگی قومش را به توحید دعوت کرد، اما آن ها به دعوت او توجهی نداشتند وناقه اش را کشتند.

درباره چرایی عذاب قوم حضرت صالح(ع) توضیح بیشتری می دهید؟

قوم عاد به سبب گناهانشان از بین رفتند وسرزمین واملاکشان به قوم ثمود (قوم جانشین عاد) رسید وآن ها با حفر قنات ها وایجاد باغ وبستان ها وبنای کاخ هایی محکم وباشکوه وساخت خانه هایی از تراشیدن سنگ در میان کوه ها برای درامان ماندن از حوادث، به آبادسازی سرزمین به ارث رسیده پرداختند، اما متأسفانه آن ها نیز بجای این که شکرگزار نعمت ها باشند به ستمگری وعصیانشان افزودند. آن ها روزبه روز از حق فاصله می گرفتند وبه کبر وغرور خویش می افزودند. خداوند تمام نعمت های خود را برای رفاه و زندگی بهتر انسان ها قرار داده است اما نباید این امور موجب غرور و سرکشی انسان ها نسبت به دیگر موجودات و حدود الهی شود. قدرت و ثروت این قوم موجب فساد آن ها در زمین شد .خدا صالح(ع) را که از جهت نسب از همه آنان برتر واز نظر حلم بهتر واز نظر عقل برگزیده تر از ایشان بود، بر آنان مبعوث کرد. صالح(ع) قومش را به توحید وبه عبادت خدای یکتا دعوت کرد واز آنان خواست از خدا طلب آمرزش کنند واز گناهانی که مرتکب شده اند، توبه کنند و خدای یکتا را بپرستند ولی آن ها رسالت صالح(ع) را منکر شدند، دعوتش را به باد تمسخر گرفتند واو را سرزنش کردند

چرا با وجود پیامبری در میان آن قوم، خداوند آنان را عذاب داد؟

حضرت صالح(ع) قومش را از مخالفت با خویش برحذر داشت ورسالت خود را در میان آنان آشکار ساخت. نعمت هایی را که خداوند برای آنان جاری ساخت، به خاطرشان آورد وسپس آنان را از عذاب وغضب خدا بیم داد، اما آن ها خواستار معجزه شدند. حضرت صالح(ع) از درون کوه شتری را برانگیخت وگفت آیت وعلامت راستی دعوت من این شتر است. این شتر را رها کنید تا یک روز سهم آب شهر را بخورد وروز دیگر، مردم از آب استفاده کنند. پس اورا در استفاده از آب ومرتع آزاد بگذارید تا صدق گفته های مرا دریابید. در قرآن از آن شتر به ناقة ا... (ناقه الهی) تعبیر شده است. قوم عاد با این که معجزه پیامبرشان را مشاهده کردند اما به او ایمان نیاوردند و ناقه را کشتند .سرنوشت این قوم و آیت الهی ناقه صالح میتواند تکرار شود.

راه جلوگیری از نازل شدن عذاب الهی بر مردمان آن قوم چه بود؟

توبه و انابه به درگاه خداوند راه جلوگیری از عذاب خداوند بود، اما ظالمان که دریافتند حضرت صالح(ع) راستگوست، با کینه از حضرت صالح(ع) وکشتن شتر به عنوان آیت خدا، در اصل نابودی خود را رقم زدند وبا کمال خرسندی بشارت قتل شتر را برای مردم آوردند. حضرت صالح(ع) از آن ها خواست توبه کنند، اما راه انابه در پیش نگرفتند وحتی نقشه قتل او را کشیدند. این روزها ما هم نشانه های الهی را می بینیم و رفاه نسبی در میان مردم وجود دارد باشد که ما نیز از صالحان باشیم. با توجه به آیات قرآنی، می توان به این نکته دست یافت که ثمودیان مردمانی مستکبر بودند وهمین صفت وبرخی دیگر از عوامل جنبی موجب شد تا درنهایت از اوج عزت به حضیض ذلت فرو افتند ونابود شوند تا عبرت آیندگان شوند. پس، از کبر باید دوری جست ومطیع امر الهی بود تا خداوند انسان را در سایه رحمت خود قرار دهد.

لغزش های مؤمنان را دنبال نکنید

آشنایی با روایتی از امام صادق(ع) درباره بردن آبروی افراد

روایت

زمانی که صحبت از رعایت حق وحقوق افراد می شود، بیشتر ما تصور می کنیم همین که مال کسی را نخورده یا به اصطلاح از دیوار مردم بالا نرفته ایم، حقی بر گردنمان نیست. درحالی که براساس روایات معصومان، حق الناس دامنه ای گسترده دارد واز حفظ آبروی افراد تا رعایت حقوق اجتماعی وحریم شخصی شان را دربرمی گیرد. همه می دانیم که بردن آبروی مردم، غیبت، تهمت، شایعه، زخم زبان وسرزنش، در تعالیم دینی بسیار نکوهش شده است وعواقب ناگواری برایمان دارد. عادات ناپسندی هستند که گاه در محیط های کاری یا گروه های اجتماعی دیگری که ما عضوش هستیم، معمول شده اند. یکی از این عادات، جست وجوکردن در احوال مردم، یافتن نقطه ضعف آن ها و اطلاع رسانی این نقاط ضعف به دیگران است. این اتفاق گاه با یک پرسش ساده از زندگی یک دوست یا هم محله ای رخ می دهد ودامنه وسیعی به اندازه سخن چینی پیدا می کند. از سوی دیگر، همگی می دانیم که این روزها سرک کشیدن در زندگی شخصی افراد به عنوان اطلاع رسانی واخبار در فضای مجازی معمول شده وبازار داغ اخبار وشایعات باعث شده است که ما به عواقب سرک کشیدن در زندگی دیگران وهمچنین نشر اطلاعات افراد بی توجه باشیم. باید توجه کرد که جدا از مضراتی که این عادت در روابط اجتماعی ما دارد، از منظر تکلیف دینی نیز حقی است که بر گردن ماست وعواقبش نه تنها در قیامت، بلکه در این دنیا در زندگی مان هویدا خواهد شد. امام صادق(ع) در روایتی از قول پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «لغزش های مؤمنان را دنبال نکنید. هرکه به دنبال لغزش مؤمنی باشد، خداوند تمام لغزش های اورا دنبال خواهد کرد واو را حتی در میان خانه اش رسوا می سازد.» (الکافی، ج۲، ص۳۵۵)
به خاطر داشته باشیم که استفاده از لغزش های مردم موجب سقوط خود ما خواهد شد وبه تعبیری ما همان چاه کنی خواهیم بود که ته چاه گیر خواهیم افتاد. در حق الناس، علاوه بر توبه، باید حقوق مردم جبران شود یا صاحب حق آن را ببخشد. این موضوعی است که کار انسان را سخت تر می کند. (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۹۴) برپایه روایتی از پیامبر اکرم(ص)، در قیامت از حسنات کسی که حق مردم بر گردن او باشد، به صاحب حق می دهند واگر حسناتش تمام شد، گناهان صاحب حق را به پای او می نویسند، سپس او را وارد آتش می کنند. (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۶)
در معاشرت هایمان دقت کنیم که چه می گوییم وچه می شنویم؛ یک سخن یا یک اشاره می تواند اثرات زیادی به دنبال داشته باشد.

احکام مربوط به قسم خوردن

احکام

از مسائلی که ممکن است در زندگی روزمره با آن روبه رو شویم و گاهی خودمان از آن استفاده کنیم، بدون اینکه احکام آن را بدانیم، قسم خوردن است. قسم خوردن احکام وآدابی دارد که ما مسلمانان باید رعایت کنیم.

قسم

اگر کسی به اسامی خدا و صفات مختص به آن و صفاتی که معمول است، قسم بخورد که کاری انجام دهد یا ترک کند، باید آن قسم را انجام دهد.
نکته: اگر قسم به اسم پیامبر(ص)، ائمه و قرآن باشد، حکم قسم را ندارد.

شرایط کسی که قسم می‌خورد:

۱- بالغ و عاقل باشد.
۲- از روی قصد و اختیار قسم بخورد.
۳- نباید به مالی قسم بخورد که حاکم شرع او را از تصرف در آن منع کرده است.
۴- فرد برای کار حرام و مکروه نمی تواند قسم بخورد.

کفاره شکستن قسم یکی از این موارد است:

۱- باید یک برده آزاد کند.
۲- باید به ۱۰ فقیر یک دست لباس بدهد.
۳- باید ۱۰ فقیر را غذا بدهد.
۴- اگر نمی تواند هیچ کدام را انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

آنچه درباره قسم وآداب آن باید بدانیم